

تبادل

درباره کارنامه مهتاب کرامتی

چاپ شده در: ماهنامه سینمایی فیلم

زمان انتشار: مهر ماه ۱۳۹۰

جایی از فیلم مرد بارانی (ابوالحسن داودی، ۱۳۷۶) هست که زیبا (مهتاب کرامتی) در همان نخستین مواجهه با دکتر بارانی (فراوز قریبیان) بعد از سال ها، وقتی دکتر دارد از کنار او می گذرد، همه نگاه حسرت بارش را هم در آن نما و هم در نمای بعدی به شکلی پنهان به موهای در آستانه سپیدی دکتر می دوزد. این نگاهی است که بیش از همه حرف های بعدی بین آن دو، حس «گذر» عمرشان از زمان دانشکده تا امروز را منتقل می کند و در ضمن، زمینه مناسبی برای ملموس شدن رابطه عاطفی قدیمی آن دو در آن سال ها فراهم می آورد. گرد خاکستری زمان که بر موهای دکتر ریخته، برای ترسیم موقعیت عینی آن صحنه، نقطه مناسبی برای سنگینی نگاه بازیگرش به حساب نمی آید و ممکن است حتی تماشاگر از خود پرسد چرا؟ اما کرامتی در این نقش کاندیدای سیمرغ فجر، ثقل عاطفی این معادله دونفره را بر عینیت صحنه ترجیح می دهد و آن را بازی یا در واقع، آشکار می کند. اما انتخاب نامعمول او به عنوان نوعی برهم زدن عادت، در نظر بیننده جلوه گر نمی شود و عادی و «در مسیر فیلم»، جا می افتد.

این نمونه ای از نوع کار کرامتی در تمام این سال هاست: سنجیده ترین انتخاب ها و اجراهای او، جلوه نامتعارف و هنجارشکنی نداشته اند یا خود نخواستند چنین جلوه ای به آنها ببخشند. در نتیجه، از فریادهایش تا بازی نقش زنی با شرایط روانی نامتعادل، هیچ کدام بازی «غیرمتعارف»ی تلقی نشدند. کرامتی همیشه بر حسب خواسته های کارگردانانی که با آنها کار کرده، «تعادل»ی نسبی را حتی در ایفای نقش های ظاهراً نامتعادل هم حفظ کرده است. از این رو، به سبک آن اصطلاح ورزشی «در خدمت تیم» که در وصف بازیکنانی با بیشترین کوشش و کمترین تلاش برای خودنمایی به کار می رود، می توان او را نمونه ای تام و تمام از یک بازیگر «در خدمت فیلم» به حساب آورد که از مردی از جنس بلور تا آلزایمر، هرگز برای بیشتر به چشم آمدن بازی اش از آن حد کنترل شده در اجرا خارج نشده است؛ حتی با درک و پذیرش این ریسک که تماشاگر معمول سینمای ایران بر اساس سلیقه سنتی اش این نوع بازی کنترل شده را در ذهن

نگه نمی دارد و برایش سوت و هورا نمی کشد. نمای آخر فیلم شبانه روز با حرکت دوربین از زیر صورت کرامتی در آن بالکن مسلط بر شهر، نمونه ای از همین لحظه های بسیار چیده شده و متمرکز در بازی اوست که به رغم زیبایی بصری و صوری کادر و کمپوزیسیون و بازیگر، بنا نیست به طور منفک از فیلم و موقعیت، جلوه ای افزون تر پیدا کند. و این، در دورانی که برداشت برخی بازیگران از «جای کار داشتن» نقش این است که چگونه بتوانند منفک از فیلم، خود را در آن به چشم و رخ تماشاگر بکشند، تعادلی کمیاب به شمار می رود.